کتاب التصویرات و النقوش

قلمی

تشریح اسمائے ثلاثہ (ابرسا - حبرسا - صارصا)

(قلمی)

تشریح اسماء ثلاثہ (ابرسا، حبرصا، صارصا)

۳۴۹۷

دو زبان پشتین نوشتہ شد ۱۲

کل صفحات ۳۲

بسم الله الرحمن الرحیم

ابرساصبرساصار صابعضی بزرگان فرموده اند که این عبارت
بالاء بسم الله توریت است و بعضی گفته اند که این هر سه اسم بادشاهان مو
کلان است هر که این سه اسم را در عروج ماه بروز یکشنبه بشروع نماید تا چهل روز
دو هزار و پانصد مرتبه هر روز بخواند زکوة که یک لکه است آدمی شود بعده سیصد
مرتبه هر روز ورد خود دارد عمل اول آنکه بر خود حصار کرداند بدین طریق
که اول یکبار خوانده جانب دست راست دم کند باز یکبار خوانده جانب دست
چپ دم کند باز یکبار رو برو بعد ازان پس پشت انگاه بطرف اسمان من
بعد بسوی زمین هفتم مرتبه یکبار خوانده بر هر دو دست خود دم نموده بر تمام
اعضاء خود بگرداند این عمل را صبح و شام کرده باشد حصار عظیم است جن
و بهوت و دیو و پری و جوریل و کفتار و ازین قبیل و سحر و جادو و ببر و غیره
ازین اصلاً و مطلقاً دخل و اثر نتواند عمل دویم انکه نقش جن را با نقش
خواهنوله و چوب تبر بر درخت که خواهد بکند و بر جوب اسمای مذکور

خوانده دم نمایند و آن صورت منقش جن را بر زمین یا بر سنگ بدارند و بآن
چوبها سخت بزنند روبرو اسیب زده بقدرت الله تعالی سخت ضربها بر اسیب رسد چنانچه
بفریاد آید و بپایی کریختن خواهد اما اول اسیب را در بنده مصروع بعمل قید کند که گریختن
نتواند اگر خواهد گریختن دهد اما نقش جن را که با خود است قبل از ضربها بر بدن مصروع
بر همه اعضا بمالد و بگرداند تا بر تمام اعضاء او ضربها رسد اگر بر یک عضو اسیب زده
بمالد بر همان یک عضو جن ضربها خواهد رسید و بهتر آنست که چوبها برای زدن بر نقش
از درخت بید انجیر باشد و اگر خواهد که کفش گاری کند بر نقش مذکور بر همان کفش کار بر جن خواهد شد

عمل سیوم انکه اگر خواهد که جن را در بدن اسیب زده که حاضر است قید کند بگیرد در ریسمان
خام هفت تار کرده و اندکی پیچ داده دو تا کند بقدر یک وجب و دو تار زیاده از وجب اول
در ریسمان سیوم دو تار زیاده از وجب ثانی کند و بر هر تار هفت مرتبه سوره

تبت بیدا خوانده هف زند بعده اسماء معهوده خوانده دم نماید آنرمان آن دو تار
که بقدر یک وجب است بر هر دو ساعد اسیب زده ببندد و آن دو تا که زیاده از وجب
است بر هر دو پای مصروع محکم کند و آن دو تا که زیاده ازین است یک جا کرده بگلوی

اسیب زده

اسیب زده بنده بقدرت الله تعالی جن در بند مصروع مقید گردد و بند شعده عمل چهارم

انکه هرگاه که بخواهد که رو برو یعنی اسیب زده برود بردانهای ماش یا سرشف هر سه اسم مذ

کوره سیصد مرتبه خوانده بدمد همچنین سیصد کرت کند بعد ازان اگر جن شوخی کند

آن دانهای بتدریج بر انجن زده باشد بحکم خدای تعالی مقهور گردد و مغلوب شعوه

شوخی نتواند کرد و هر سه قسم که داند برو حکم جاری کند نقش جن اینست

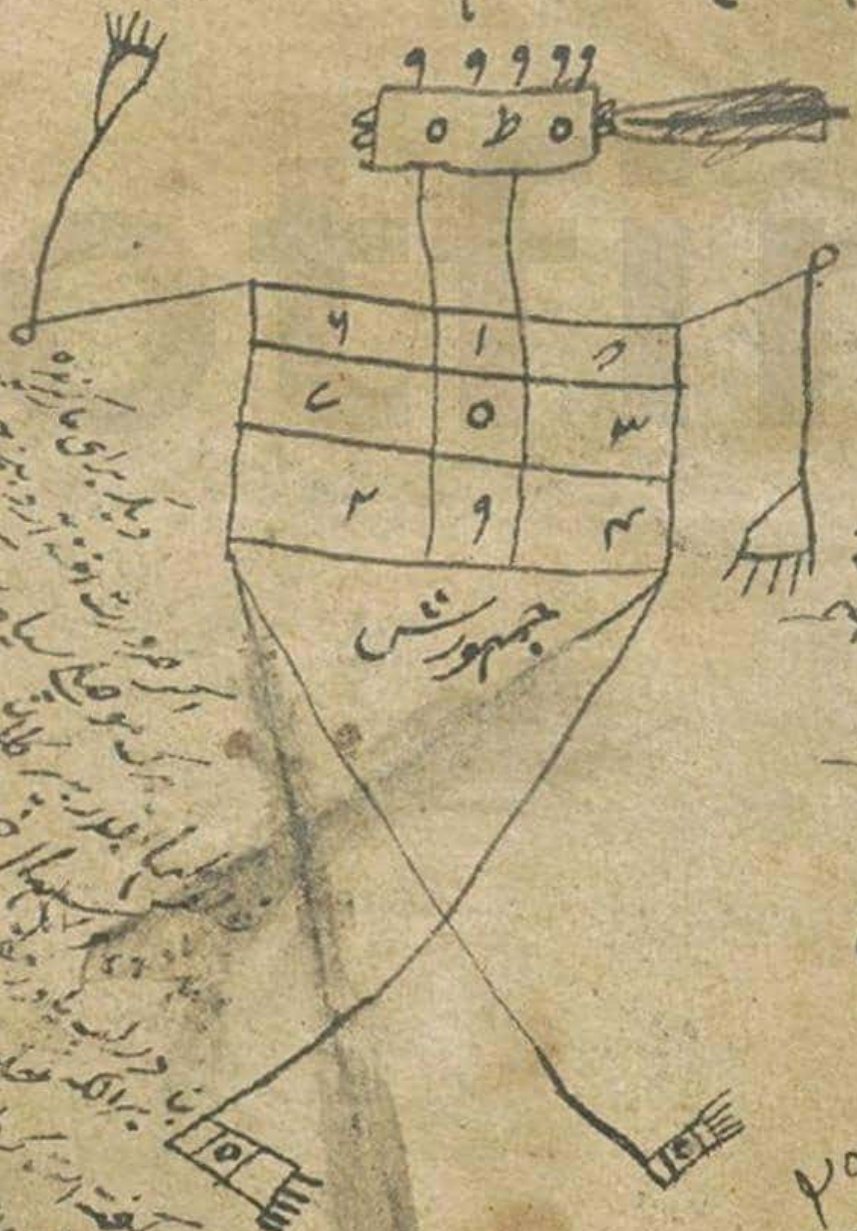

عمل پنجم

عمل پنجم انکه وقتی که جن بعملهای مذکوره معلوب شود هر سه اسم معهوده
چند کرت خوانده بفرماید که هر دو دست اسیب پس پشت به بندند اگر بسته شوه
بهتر والا عامل اول بدست خود هر دو دست اسیب زده را پس پشت وی بگرداند
آنزمان بجلدی و بسرعت تمام هر دو دست جن معه هر دو دست مصروع
پس پشت بگردد بند شود بقدرت الله تعالی و اگر باز کشاده شود باز بفرماید که
باز بجیر سلیمانی به بندند باز بسته می شوه اگر باز کشاده شوه بفهمد که فوج
کثیر همراه خوه دارد بر فوج موکلان غالب می آید و دست پس پشت را می کشایند
آنزمان بگوید که موکلان دوچندان از فوج جنان بیاند باز دست مصروع
را پس پشت به بندند باز بسته میشود و اگر باز کشاده شوه بداند که جن ساحر است
انگاه عامل بگوید که خاص بجیزهای حضرت غوث الاعظم قدس الله سره را از
بغداد بیارند و باز دست مصروع را پس پشت بزنجیرهای سلیمانی سخت
و محکم به بندند بقدرت الله تعالی چیزهای خاص حضرت غوث الاعظم
را از بغداد می آرند و غلبه نموده بر فوج جنان غالب می آیند و دست

اسیب زده را

اسیب زده را بغضب و غصه آنچنان سخت و محکم می بندند و بدان قسم عذاب
میدهند که جن بفریاد آید و مسخر و مغلوب میگردد عمل ششم انکه هرگاه که
جن مغلوب گردد شیشه خالی را پیش بگذارد هر سه اسم مذکوره را بگوید
که جن را از بدن اسیب زده برآورده در شیشه درآرد و در همان شیشه قید کنند
بقدرت الله تعالی موکلان همچنان کنند عمل هفتم انکه من بعد عامل بگوید که جن را
در شیشه در حضور مصروع بصورت آدمی بنمایند بفرمان خدای تعالی عزوجل اسیب زده
بهوش درست جن در شیشه بصورت مرقومه می بیند عمل هشتم انکه هرگاه مصروع
بهوش درست جن را پیش خود استاده بیند انزمان عامل بگوید که موکلان جن را
بزنجیرهای سلیمانی بسته برای قید کردن در بندخانه جنان که مقرر است قید کنند
اما در وقت بردن جن را اسیب زده به بیند بفرمان خدای عزوجل موکلان آن را
برده در بندخانه قید میکنند و این همه تماشای قدرت ایزدی مصروع بچشم خود
بهوش درست می بیند عمل دیگر برای حاضرات بیارد عنبر خوب تر شبوی و بر اطراف
عنبر بنویسد مرتبه آیه کریمه بخواند و دم کند و هر مرتبه که خواند دم کرده باشد انیست

فلبکبو

فکبکبوا فیها هم والغاوون وجنود ابلیس اجمعون انه
من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم ان لا تعلوا
علی وائتونی مسلمین بعده آن عنبر آسیب زده را بوئیدن دهد آن مصروع
بدو پا بنشیند و چشم به بندد و پارچه را بروی خود کند چنانچه رخ پوشیده بشود بدین
عنبر مرکومه به بوید بعد از چند آسیب امده حاضر شده من بعد بعملها مسطوره
که بقید قلم اید کار را صورت انجام دهد اگر خواهد که قید کند و اگر خواهد قسم گرفته
خلاص کند بعد بگر چون خواهد که ابرسا صبر شروع نماید باید که یکمرتبه البته
بر خود این حصار بخواند نیست یا جبرائیل یا میکائیل یا اسرافیل
یا عزرائیل بحق یا باعث هو الله الذی لا اله الا
هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم اجیبوا
دعوتی واقضوا حاجتی الهی من اراد نا بسوء فرده و
من کادنا بکید فکده ومن دعی علینا بهلکة
فاهلکه واحفظنا من بین ایدینا ومن خلفنا

وعن ایماننا

وَعَنْ اَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَاءِلِنَا وَمِنْ جَمِيْعِ بَلِيَّاتِ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا فِيْهِنَّ بِحَقِّ اِهْيَا اَشْرَ
هَيَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَنَا بِكُلِّ مَا دَعَوْتُهُ بِحَقِّ اَدْ
عُوْنِيْ اَسْتَجِبْ لَكُمْ وَافْتَحْ مَغَائِنَا بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ
بِحَقِّ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَاكْشِفْ ضُرَّنَا بِحَقِّ فَلَا كَا
شِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ وَبِحَقِّ الٓمٓصٓ وَطٰهٰ وَنٓ وَالْقَلَمِ
وَمَا يَسْطُرُوْنَ نقش ابرسا صبر سا صار صا برای
دفع تپ لرزه بدهد تا سه روز همراه سپند بسوزد و یکی در کلوبه بندد و
یکی بخوراند انیست

۳۳۶	۳۲۹	۳۳۴
۳۳۱	۳۳۳	۳۳۵
۳۳۲	۳۳۷	۳۳۰

نوعدیگر دفع دیو و پری
کہ جای مزاحم باشند چہار میخ
ابرسا صبرسا صارصا

این بگوید هر او فاتحه یکبار خوانده بعده بر چهار پاره کاغذ این آیت بنویسد

بر میخهای این بپیچد بر بالای آن میخ ریشم معصفری بپیچیده و چهار رکن

خانه کنز هر کاویده دفن کند دیو مزاحم نشود انیست انهم

یکید و ف کید تا اخر بنویسد نوعدیگر وقتی که دفع شود این

دعاء بزرگرا نوشته برای خوردن دهد که باز اثر نکند اینست

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلَيْنَا وَدْفَعْ بَلَائِنَا يَا رَءُوْفُ

لَبَّيْكَ وَرَحِيْمُ لَبَّيْكَ وَشَفِيْعُ لَبَّيْكَ وَكَرِيْمُ لَبَّيْكَ

وَلَطِيْفُ لَبَّيْكَ وَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ الرَّحِيْمُ يَا

رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا غَفُوْرُ نوعدیگر اگر کسی را کم زاده دیو

و پری وجوکنی گرفته باشد و مرتبه بمرتبه زحمت دهد بیارد پس خورده زنی

که دو بچه از شکم زائیده باشد و پس خورده مریض در سر کند و با شیر گوسفند

غسل کند بعده این دائره بنویسد و بخورد اسم نیست

اینست

اینست

۱۴	۱	۲ر	ح
ر	۴	۵۳	۶ر
۵۱	۱۵	۲	۱۴۲
دواه	۱۵۱	۴	م

نوعدیگر رقعه حضرت سید محی الدین قدس الله سره العزیز جن کرفته را بنماید بحرمت شاه دور شود رقعه

معزم و مکرم اینست

محی الدین

یا جبرائیل

۱	۲	۳
۶	۱۱	۲

دوعدیگر ابن عزیمت را شه بار برانگشت شهادة بخواند کرد بکد دست مصروع انگشت بگرداند جن بسته کردد لا اله الا الله محمد رسول الله قفله

حصارة

بسم الله الرحمن الرحیم

باب در بیان محافظت اکر خواهد که خود عمل کند اول وضو کند بعده سورت فاتحه تمام هفتم بار بخواند والم تا مفلحون یکبار و یکبار ایة الکرسی تا خالدون و سورت یس یکان بار بخواند و چهار بار این ایتها بخواند اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا معشر الجن والانس تا تکذبان بان یرسل علیکما تا تکذبان بان و چهار قل اخرین یکان یکان بار بخواند و بعده سه بار سورت جن تا شطط ان بخواند و بعده دست بر دارد و سه بار درود بر پیغمبر علیه السلام بخواند

درود معظم و مکرم اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد و عترته
قبه بعدد کل معلوم لک یا علام الغیوب فلا یفوتک شیء من
علمه و حفظه یا علام ارحب یا جبرائیل یا دردائیل یا رفتمیل یا تنکا
فیل بحق یا بدوح محافظت کامل خواهد شد نوعدیگر از برای محافظت
زود و تر شود اینست که دران ۳۶۵ صد و شصت و هشت عمل است اما این نامها در
عمل محافظت بکند هفت بار این نامها بخواند و بر خود بدمد محافظت کامل خواهد شد
اینست بسم الله ملا شمان الرحمن ابر شمان الرحیم حیث شمان بحق سلیمان
بن داود علیه السلام نوعدیگر برای حاضر کردن جن در وجود اسیب زده
بدین ترتیب اول رحمتی را بنزد خود بنشاند و بعده این کلمه را چهل و یکبار
اهسته بخواند و بطرف اسیب زده بدمد البته جن حاضر خواهد شد کلمات مظلم و
مکرم اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا حافظ یا حفیظ یا رقیب یا وکیل یا ناصر یا
نصیر یا الله یا الله یا الله و نجنی من القوم الظالمین اگر ازین حاضر
نشود تا ابر محون اختشون چند بار بلند بخواند البته حاضر شود و اگر

واگر از بن حاضر نشود تا امن الرسول سه بار یا پنج بار بخواند البته حاضر شود

واگر از بن حاضر نشود تا اسیب نیست نوعدیگر از برائی حاضر کردن جن در

وجود اسیب زده این عزیمت را چند بار نزدیک زحمتی بلند بخواند البته حاضر شود

یا چند یار بر کل خوانده بدمد و زحمتی را بوده دهد زود حاضر شود عزیمت انیست

بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا بکتا نوس ملک الجن

عرب و العجم ابو امیت و بحق ابو جهورس اخوک ای

تعجبر الملک ملک اینک اینک نجیا نجیا ساتا ساتا کهولا

کهولا ختما ختما میسر میسر بحق اجلا اجلا بحق یا

بکتا نوس بحق لا اله الا الله محمد رسول الله

در رهی خدا تعالی و در رهی محمد رسول الله و در رهی سلیمان بن

داود علیه السلام و در رهی حضرت میران محی الدین غوث

محی الدین پیر پیران شاه شاهان شاه عبد القادر جیلانی آنچه

بروجود فلان بن فلان اثر کرده باشد حاضر شو حاضر شو لهو ری جن
کشمیر جن هر طرفی جن اقشی جن بری جن دیو و پری حاضر شو حاضر
حاضر شو نوعدیگر احضار کردن جن و پری در وجود اسیب زده این عزیمت
نزد او چل و بار بخواند جن البته حاضر شود عزیمت اینست ـ عَزَمْتُ
عَلَيْكُمْ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينَ وَالسَّحَرَةِ وَالْأَرْوَاحِ بِحَقِّ
مَيْمُونَ زَنْكِي وَبِحَقِّ مَيْمُونَ نُوبِي اُحْضُرُوا مِنَ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ
اُحْضُرُوا مِنَ الْجَنُوبِ وَالشَّمَالِ عَجِّلُوا عَجِّلُوا فَرْطِيشًا فَرْطِيشًا صَارِعًا
صَارِعًا بِحُرْمَةِ مَلِكِ مُحَارِسٍ وَتَلِيقٍ طُوشٍ حاضر شو حاضر شو
نوعدیگر از برای حاضر آیت عالم غیب این نقش پر کند و خانه اول را پر
سیاهی کند و بدست کودک بدهد تا آن کودک در سیاهی نظر کند بصرمان
خدای تعالی در سیاهی عالم غیب آن کودک را حاضر خواهد شد هر چه از عالم
غیب پرسیدنی باشد از کودک بپرسد و کودک از عالم غیب بپرسد جواب شافی
خواهد داد این عزیمت بخواند دم کند عزیمت اینست عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ

واقسمت
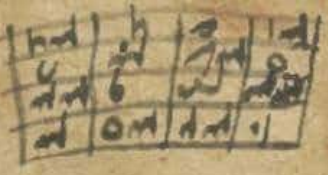
وَاقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا مَعْشَرَ الْأَرْوَاحِ مِنْ جُنُودِ الْأَبْلِيسِ يَا قَوْ

قُ لُقُوقِلَانَ وَيَا هَرَقَ الْقَهْرِ قِلَانِ وَيَا عُجُونُ أُمَّ صِبْيَانِ اخْرُجْ

مِنْكُمْ وَالْكِنَانِ بِحَقِّ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَاضِرْ شَوْ

حاضر شود حاضر شود و نقش مذکور اینست

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

نوعدیگر از برای احضار کردن در دایره این دایره بنویسد بدست

کودک نابالغ بدهد بشرط انکه خوشبوئی کند و ان کودک در دایره بنشیند همه

عالم غیب بپرسد جواب شافی دهد دایره اینست

۵	۱۴	۷	۱
۶	۲	۷	۵
۱۲	۹۲	۲۵	۶
۳	۵	۴	۸

نوعدیگر از برای احضار کردن در وجود

اسیب زده این دایره را نوشته بدست زحمتی دهد دایره اینست

۶	۱	۸
۷	۵	۳
۲	۹	۴

نوعدیگر از برای حاضر کردن جن در وجود آسیب زده این دایره

را نوشته بدست زحمتی بدهد و او را بکدیگر که بطرف سیاهی نظر کند دایره اینست

و این کلمه را چند بار بآواز بلند بخواند

۶	۱	۸
۷	۵	۳
۲	۹	۴

اینست یا عالم الغیوب وساتر

نوعدیگر برای آسیب دیو و پری وام صبیان و غیر ذالک

این اعوز را نوشته چهل و یکروز بخوراند اگر هر روز نویسد بهتر باشد

الغیوب و یا غافر الذنوب و یا کاشف الکروب
عن الموحد العظیم و من جنة و انس لذکر المحاد منس و
للقلب فیه مقیس و من شر کل نفس و شیطانها الرجیم

نوعدیکر از برای احضار پانزده بار این عزیمت را بخواند و برزخمی بدمد

عزیمت اینست عزمت علیکم یا معشر الجن و الانس و الارواح
و یا صاحب السر و الوسواس الخناس من کنوز المنکه بحق تورات
موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد رسول الله صلی
الله علیه و سلم و بحق اذا جاء نصر الله و الفتح یا الله یا جبرائیل
و میکائیل یدخلون یا غفور یا میکائیل فی دین الله
افواجا یا هادی یا اسرافیل بحمد ربک و استغفره انه کان
توابا یا عزیز یا عزرائیل بحق یا باسط یا قدوح هر دیو جن
و پری حاضر شو حاضر شو نوعدیکر چون خواهد که پادشاه جنان
در دایره حاضر کنی اول هفت بار بسم الله ثمان ابرز ثمان

بسم الله علامه

بسم اللہ حلا ثمان الرحمن الرثمان الرحیم حیث ثمان بحق سلیمان
بن داؤد علیہ السلام اوائرھا کھکلا کھکلا کھیما کھیما
ارحما ارحما ثرا ثرا حما اوائم بط بھت سوا ھا بخواند
برخوہ و برکودک بدہد بعدہ این دایرہ را بدست کودک بدہد و عزیمت بخواند

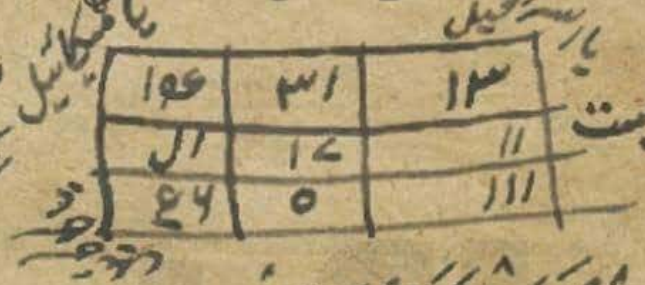

دایرہ مذکور اینست

وعزیمت اینست

عزمت علیکم

یا جبرائیل یا دردئیل یا رفتمائیل یا تنکفیل بحق یا بدوح حاضر شو

حاضر شو حاضر شو و این نیز بخواند عزمت علیکم فتیین فتیین دالم
دالم ذالم ذالم علیسا علیسا بلیسا بلیسا تلسم تلسم حاضر
شو حاضر شو حاضر شو بحق سلیمان بن داؤد علیہ السلام

چون بادشاہ حاضر آید عقد بخواند اینست عقدتم عقدتم
بعقد اللہ العلی العظیم القاھر الشدید الغالب علی
کل شیء ویعقد قیل لکم بقیوم سلیمان بن داؤد علیہ

السلام كاتبروا لا باذني اعلموا ان الله قد احاط بكل شيء

علما چون عقد كردد دعا الحاج وستر خاء بخوانند اينست يا ايها

الارواح زادكم الله تعالى عليكم والانوار اعطاكم ما اعطى

الاولين من الانهار والاشجار ورزقكم الله تعالى جنة

الماوى وتبركم الله تعالى يوم الحساب الا تخافوا ولا تحزنوا

ابشروا بالجنة التي اوعدوها بسلام امنين الله حافظكم

وناصركم ومعينكم يا ايها الطاهر المجيبون المطيعون

الكرمون اجيبوا حاجتي اجيبوا هذا دعوة الكبير سريع الاجابة

به بحق الابيض والاسود ومطيع الامر وجامع العشر و

صادق الوعد لا تخافوا ولا تفسدوا وعلى بحق هذا الاسماء

العظام وبحق تنجيهم الاكابر من جميع الملة التي خلق الله

تعالى من الارض والصوء والبر والبحر من المشرق الى

المغرب في الطرابات والعمارات والجبال والاودية

والاشجار

وَالْاَشْجَارِ الْمُثْمِرَاتِ اَجِيْبُوْا وَاَطِيْعُوْا وَاَخْبِرُوْا اُمُوْرَنَا وَمَا نُرِيْدُ مِنَ الْخَيْرِ وَشَرِّ بَارَكَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَلَيْكُمْ بعده باجن سجن کند وکودکی را بگوید تا زر و هرچه پرسیدنی باشد بپرسد و بادشاه را بگوید که میان میکوید که کالائی فلان کس گم شده است کجاست یا جن مریض را ضرر می دهد آن جن حاضر آورده رقیه نموده حواله ما بکنید تا دفن کنم اگر کودک گوید که جن را بسته اند آن دایره مذکور پیچیده در آوند آب نرسیده اندازد و بروی سرپوش داده یا کل محکم کند و دفن کند نوعدیگر این دایره بدست کودک بدهد و دعا رسامع بخواند بادشاه پریان حاضر آمده جواب شافی

۴	۷	۱
۵	۱۲	۹
۱۱	۶	۳

دهد دایره اینست

نوعدیگر از برای بستن جن بدین ترتیب نوشتن رسیمان بگیرد و بران رسیمان سه بار یا هفتبار این آیته را بخواند و بدمد و بر هر دو سر انگشت گره علاحده دهد جن بسته گردد آیت مذکور اینست فَكُبْكِبُوْا فِيْهَا هُمْ وَالْغَاوُوْنَ وَجُنُوْدُ اِبْلِيْسَ اَجْمَعُوْنَ نوعدیگر یا این آیت را ۳ بار بر آب خوانده بدهد

و بر کیسوی عورت تر کرده کره دهد جن بسته شود و بعده ابنزاد هد بدین
ترتیب اول نه دانه فلفل کرد بگیرد بران دانه یازده بار این اسمات را بخواند اسمات اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا علیقا یا ملیقا انت تعلم ما
فی قلوبهم ملیقا اول سه دانه خوردن دهد و بعده سه دانه اس کرده در
پارچه نیل انداخته فتیله سازد و دود در بینی دهد و سه دانه اس کرده در چشم
اندازد و جن در فریاد آید و بعده قول و قرار محکم کند و بعده کره کشاده کند و ها
کند و بعد یک این اسمات را نیز سه بار خوانده بر ریسمان بدمد یا بر آب بخواند و بهر
را نگشت کره دهد جن بسته شود اسماء مذکور اینست عقدتم عقدتم
عقدوس فارقیس فارقیس حسبنا حسبنا و حسبتک بعقیود سلیمان
بن داود علیه السلام در بند شو بستم ترا در اندام انچه در وجود فلان بن فلان
یا بنت فلان اثر کرده باشد بسته شو تا تنک من نگشائیم کشاده نشوی بحق توریت
و بحق انجیل و بحق زبور و بحق فرقان و بحق محمد رسول الله صلی الله علیه
وسلم صم بکم عمی فهم لا یرجعون ختم الله علی قلوبهم و علی
سمعهم

سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

نوعدیگر آنکه چندوقت احضار نباید کرد در نیم روز و بعد از یکیاس شب

و وقت طلوع آفتاب و غروب آفتاب که این وقت عروج و علو

جنان است و دائره که برای احضار بنویسد خطوط آن از جانب راست

بکشد و اگر برای دفع بنویسد از جانب چپ بکشد باید که پیش هر نقش و دائره

تسمیه بنویسد مگر آنکه برای سوختن باشد و اول هر نقش این عزیمت نیز باید

نوشت عزیمت اینست عَلِيقًا مَلِيقًا طَلِيقًا أَنْتَ تَعْلَمُ مَا فِي

قُلُوبِهِمْ مَلِيقًا مگر نقش که برای ترسانیدن و برای خوردن باشد و یا

باخود داشتن بنویسد زیر آن یا بر پشت آن بنویسد یا غفور یا غفور

و هفت بار یا شافی و نام بیمار و نام مادر او بدین نمط آنچه در

وجود فلان بن فلان است دفع شود و اگر برای احضار یا برای سوختن

بنویسد زیر آن یا بر پشت آن بنویسد آنچه در وجود فلان بن فلان حاضر

شود یا سوخته شود و برای سوختن تعویذات روز یکشنبه اول

ساعت بهتر است برای دفع جن و خبیث و غیره که دود کند از پلیل کرد
وزرچوب و اسپند و کُندر و گل و غیره در صبح و شام و در نیم روز و برای احضار
پری عود بسوزد و مشک و خلیل بر آسیب زده بمالد و گل در دست
دهد و اگر جن و خبیث را بزند تا زیانه بزند و بنماید یا نعلین بزند که برهم میشود
و زیاده غصه میکند و اگر جن خبیث برای خوردن چیزی بخواهد از شیر و دوغ و سیر بینی
و مشک و خاکستر بدهد و از جنس نقره و مس و غله و یا رچه و روغن ندهد و
چون برود تقصیر آسیب زده برای خدای و رسول خدای و سلیمان پیغمبر و میران
محی الدین و پیر مرشد بخورند و سوگند سوگند بگیرد و هفت بار بر زمین بزند
خط بکشاند و توبه نصوحه بکناند و آب دم کرده بر چشم بزند و رخصت بکند
و آدمی حصار دم کند و بعد رفتن جن تعویز نادر کلوه و بازو به بندد و نحدیکر
این دعا را نوشته در کلوه آسیب زده به بندد و خوانده دم کند انشاالله تعالی شفا یابد
اینست بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول رب العالمین الی من طرف
الدار من الغمار و لحظ الطارقین الا طارق یطرق بخیر اما
بعد فان

بعد فان لنا ولكم في الخلق سعة عاشقا مولعا او فاجرا
مقتحما او مرعي حق او مبطلا هذا كتاب الله تبارك
وتعالى ينطق علينا وعليكم بالحق انا كنا نستنسخ
ما كنتم تعملون ان رسلنا يكتبون ما تمكرون اشركوا
صاحب كتابي هذا وانطلقوا الى عباد الاصنام
والى من يرغب ان مع الله الها آخر لا اله الا هو
كل شيء هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون
تقلبون حم لا تنظرون حم عسق
معرة اعداء الله وبلغت حجة الله لا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم نوعديكه اكر اين آيت را بر سفال

آب نارسيده بنويسيد ودر ميان بكويد دبو عاجز شود وبكريزد اين است
افحسبتم انما خلقناكم عبثا وانكم الينا لا ترجعون فتعالى الله الملك الحق لا
اله الا هو رب العرش الكريم ويدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه
عند ربه انه لا يفلح الكافرون وقل رب اغفر وارحم وانت خير الراحمين

نوعدیگر از برای آسیب زده بنویسد سه برای خوردن دهد و یک در کار به بندد انشا

شاه پری چوریل

۳۱	۹۳	۴۷	۶۲	۱۴
۴۶	۳۷	۳۱	۷۴	۳۱
۳۴	۴۲	۴۴	۱۲	۱۷
۶۶	۴۳	۲۴	۴۴	۳۳
۴۳	۳۴	۷۳	۱۶۴	۴۴

الله تعالی شفا یابد تعویز اینست

نوعدیگر مهتر سلیمان علیه

السلام از پریان پرسیده

بود که از برای دفع آسیب

دیو و پری و ام صبیان و غیره چیزی نوشته

ومزلجمت نرساند پریان نام های خود نوشته بمهتر سلیمان دادند وگفتند

هر که این نام ها را پیش خود دارد هرگز آسیب دیو و پری نشود ابدالت

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم خلصه من جمیع الجن والانس والشیاطین بحق حسانشا حاضر باحرا ادسرابین حقت میمون

عزمت علیکم ایها الذلیل المشی الماجیتم کما اجابت النمل

سلیمان بن داود علیه السلام فان علیکم اعهد لکم بخاتم

سلیمان علیه السلام فانک من الامنین هذا الکتاب من

عزیز الغفار

عزیز الغفار نوعدیگر اگر کسی این نقش را نوشته در محلوج پاک

پیچیده در چراغ نو با روغن پاک بسوزد بمقابل آسیب زده

بدارد دیو پری بسوزد دفع کردد نقش اینست

صحیح

۹	۱	۱۱	۶
۱۲	۱۳	۱۳	۱۲
۱	۱۲	۱۳	۱۲
۹	۱	۱۱	۶

غلط

۹	۹		۱۱	۱۱	۶	۱	۹
۵	۱۳	۱۳	۱۲	۱۲	۵	۱۲	۱
۹	۶	۲	۶	۶	۹	۲	۱
۹	۴	۱۵	۴	۱۰	۳	۴	۹

نوعدیگر اگر جن مریض را هیچ حیله نمیکذارد باین صورت منقش

جن را بنویسد و دود در بینی دهد دفع کردد شکل اینست و بمعده نقش بنویسد

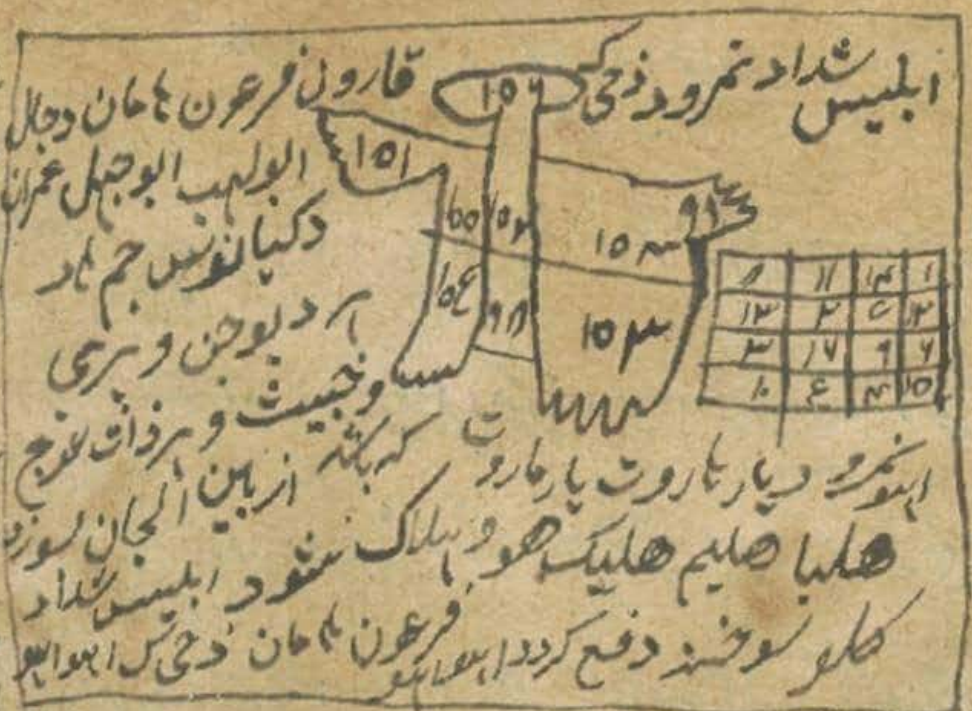

نوعدیگر برای محو خشن جن

را در دیگ بشرط اینکه

دیگ آب نارسیده باشد

و یا سر پوش آب نارسیده

بکیرد و آسیب زده در میان خط

بنشاند کرد دیگ دخط

کشیده بکذارد چرا کر دو سه

آدمی نرود آسیب زده دیگر بنشیند

خط بکارد بکذارد و بر کارد

این دعا را سه بار یا هفت

بار بخواند و بدمد و دعا مفصل

و بکم است

بسم الله الرحمن الرحیم الهی خلاصنا عن اشتغال بالملک و ادرنا
حقایق الاشیاء غشاوی کما هی تعلقت از بصر بصیرتما بکشایی
و هر چیز یرا و بعده دو نیم مشت ماش گرفته دران ماش هفتبار ایتها الکرسی
تا علیم خوانده بدمد و چهل یکبار یا حافظ نا من القوم الظالمین خوانده نیز بدمد در
دیگ بیندازد و بعده بگوید آنچه در وجود فلان بن فلان یا بنت فلان اثر کرده باشد درین
دیگ بیا سوخته دفع گردان و بعده خاک چهار راه گرفته هفت غلوله بسته و در دیگ
اندازد همین طور کند دفع گردان و بعده چند تنکه درین دیگ همین طور خوانده در
در دیگ اندازد و بعده یک پاره گوشت بز یا گاو همین طور خوانده در دیگ اندازد و
بعده هفت برگ از هفت درخت علاحده گرفته همین طور خوانده در دیگ اندازد
و بعده دایره بر وجود مالد سواء هر دو پای و هر دو اندام نهانی نمالد نیز همین طور خوانده
در دیگ اندازد و بعده لب آسیب زده اندازد و سر پوش محکم کند و او را خبردار کند و گل
راس کرده نزد دیگ و هر جایی که دود بیرون آید در آن جا بزند تا دود بیرون نیاید
و اول آتش تیز دهد و بعده میانه دیگ بر آتش مقدار یک شب و یا یکروز بعده فرود
آرد در گوشه

نوعدیگر کل وبار و برگ و پوست و بیخ از درخت سرس یک جا سائیده

آرد و در گوشه دفن کند و هر آن دایره که در دیگ اندازد بنت

جهان سازد و قوت حاجت

مار گزیده را بدهد

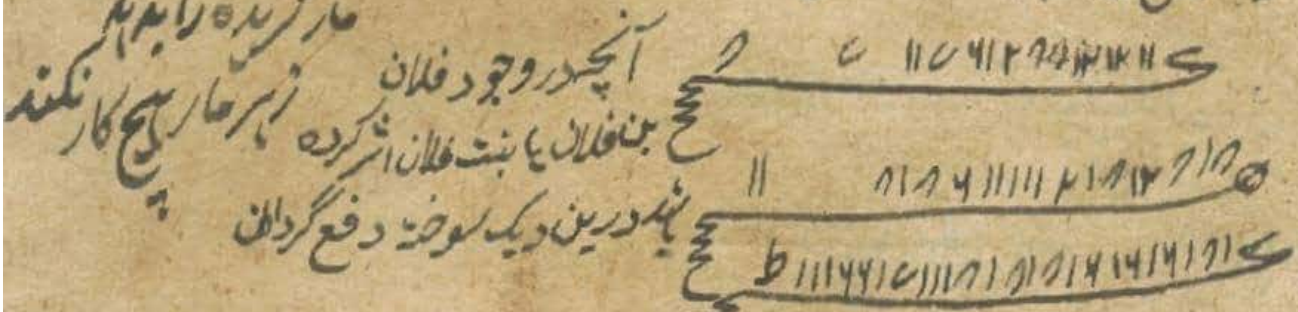

آنچه در وجود فلان

محج بن فلان یا بنت فلان اثر کرده

زهر مار هیچ کار نکند

باشد درین دیگ سوخته دفع گردان

محج

نوعدیگر از برای سوختن جن در دیگ اول بیارد دیگ و پوش آب نرسیده باشد و بعده دو

نیم مثقال ماش گرفته در دیگ اندازد و بعده سه نقش بنویسد بالای ماش بدارد

ع ع ع ع آنچه در وجود فلان

بن فلان یا ابن فلان اثر کرده باشد

درین دیگ امده سوخته دفع گردان

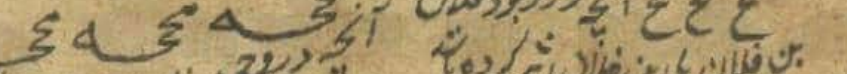

آنچه در وجود فلان بن فلا اثر کرده باشد

سوخته دفع گردان

محه محه

نوعدیگر نقش دیگر که نوشته بر وجود اسیب زده بمالد و نیز در دیگ اندازد جن سوخته دفع

کردان و یا نوشته در چراغ نعده بدارد و زحمتی را بکند که بطرف چراغ نظر کند یقین است

که جن سوخته گردد بعنایت الله تعالی مجرب است

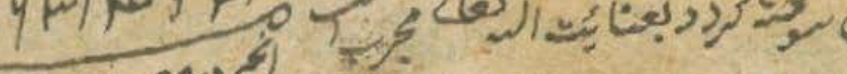

انچه در وجود فلان بن فلان ابن فلان اثر کرده باشد

نوعدیگر سوختن در چراغ نوکه آب نرسیده باشد

سوخته دفع گردان

و در چراغ روغن تلخ انداز در رویی زحمتی بطرف چراغ کند اگر روغن تلخ نباشد هرچه

باشد بگیرد نقش اینست

۱۱	۸	۱۰	۱۶
۱۶	۱۳	۱۲	٤
٦	٦	۳	۹
٤	۱۱	۱٤	۱

انچه در وجود فلان بنت فلان

اثر کرده باشد سوخته دفع گردان

نوعدیگر سوختن دیو را در دیگ و هر مریض را در دیگ بیارد شانزدهم انگشت در دیگ اندازد

و این عزیمت را نیز نوشته در دیگ مذکور ده [illegible] اندازد و دیگ مهر کند و در تنه دیگ آتش

دهد تا که دوازده هزار بار این اسم را بخواند یا بدیع العجایب یا الخبیر چون دوازده

ده هزار تمام کند آن دیگ از آتش فرود آرد دیگ را در زمین دفن کند و عزیمتی که نوشته

در دیگ اندازد اینست فرعون را سوختم بحق شش لبو نمرود را سوختم بحق ذوشا شداد

را سوختم بحق منوعا عاد را سوختم بحق عالما ثمود را سوختم بحق طبطبوثونا

ابلیس را سوختم بحق سلیخا تبلوس را سوختم بحق ملیخا هر دیو که این علیل را

گرفته و زحمت می دهد بحق ملیخا هر دیوی سوختم او را بحق ملخوما و هر پری و جادو

و ساحر و سحر و زحمت و رنج و علت و مرض که این علیل را آشوبش می دهد سوختم او را

بحق یا قیوما فلان ابن فلان یا بنت فلان را صحت کلی شده بحق کهیعص حم

عسق طسم فرعون لعین هامان لعین شداد لعین نمرود لعین عاد لعین ابلیس

لعین نیکوس لعین یا علیقا یا ملیقا انت تعلم ما فی قلوبهم ملیقا نوعدیگر

از برای غائب سوختن ترتیب در چراغ نو که آب نرسیده باشد و جاء سوختن اللهم حرق

الشیاطین

۱۳	۳	۲	۱۶
۵	۱۰	۱۱	۵
۱۲	۶	۷	۹
۱	۱۴	۱۴	۴

الشیاطین بنویسد دایره اینست

و در جاد بچیدن

بنویسد الخ در وجود فلان بن فلان اثر کرده

دریں دایره بیاندو سوخته دفع شود غایب

نوعدیگر اگر عالم غیب در خانه کسے سنگ اندازند این اسمات مانوشته روبرو دروازه

بهند و انشاء الله تعالی دفع اینست بسم الله الرحمن الرحیم عَلِیقٌ مَلِیقٌ خَالِقٌ

مُخَلِّقٌ کَافِیًا شَافِیًا اِرْتَضَامُرْتَضَا بِحَقِّ یَا بُدُّوحُ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْ

اٰنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِیْنَ وَلَا یَزِیْدُ الظّٰلِمِیْنَ اِلَّا خَسَارًا

بِحَقِّ آسَا تَا سَا کَا سَا کُوسَارَدُّ رَجْعَتٍ وَرَدَّ کُلِّ بَلِیَّاتٍ وَرَدَّ بِرِحَالِ

الْغَیْبِ بِرَحْمَتِکَ یَا رَحِیْمُ الرَّاحِمِیْنَ نوعدیگر برائی دفع دیو و پری و جن

وخبیث و کفار و سحر و جادو یک تعویز بایست تعویز بنویسد و دیگ

اب نرسیده بیارد ماش در دیگ اندازد و بر ماشها مذکور آیة الکرسی تا خالدون

بخواند بر دو نیم بیکبار بخواند و دیگ آبارد ماش بند کند سه روز شب زیر دیگ آتش

دهد آسیب زده صحت یابد ما عامل این عمل را ترک از حیوانات باید کرد غرض کرباما فظت

غلط نشود قول مولانا شاه شاهان محی الدین عبد القادر جیلانی است اسیب زده نیکو
نشود جنگ او در دامن من بافتد این عمل مجرب است و اگر استادان این عمل میکند شک نیارد داشت

سوختم آنچه در وجود فلان این فلان سخت شده است دیوان و پریان آسیب رسانند و حالت
دورام در هست متعال و مقال عمر عجوبه و سلطان و سحان و هشت و سر
هره هیچ دست و خشش جوکنی و جنیان علی الخصوص و اهن هرمان و نار
سنگ و شهونت و هر دیو و دیوان و هر ساحران و هرمان در هر زحمت که در وجود اند
حاضر شود و بسوزد بحرمت این نامها العجل العجل

بر سر پوش نوشته و تا مریض صحت نشود آتش سرد شدن ندهد نقش معظم اینست

مصحح مسطر کا صحیح

۱۱۲ع۹۲۲۹ع۲۲۵۰۱ و ۲ع۲ و ۵ لعالج

۱۱۲۳۹۲۲۷۵۰۱ و ۱ع۲ع ملیه برای سوختن

اسیب در دیگ این نقش نوشته در دیگ انداز و زیر آتش دهد اینست

۱۱۶ ۱۸ ۱۱۶۱۸۱۱۲۱۱ صحیح ۱۱۱۱۲۱۸۲۶۱۸۱۶۱۵ع۱ صحیح

۱۱۶۲۱۸۱۹ع۱۶۱۵۱۵ صحیح یا قاهر ذا البطش الشدید الذی لا نطاق انتقامه یا قاهر باندل

جبادعند بقهر عزیز مافی قلوبهم بحق علیقا ملیقا بلیقا طلیقا انت تعلم مافی قلوبهم

طلیقا لو بمزار بر نمودار پر نمزار لعع۲۲۹ع۲۲ع۲ خداوندا ملیکا بادشاها بحرمت خدائی خویش

خویش طلب

جلت وعظمت وقدرت آنچه در وجود فلان بن فلان سخت شده است بادیگر سخت کرده از

دیو و پری و آدمیان و کفتاران وجادوان و طاغیان الهی بحرمت خاتم

سلیمان بن داؤد علیه السلام الهی بحرمت این نامها که در وجود فلان بن فلان

سخت شده است بادیگری سخت کرده است بدوید و در دیگ حاضر آرید و بسوزید

شیان روز مهلت تا فلان بن فلان را صحت عاجل شود الهی بحرمت نامهای هر سحری وسواس

در دردرا ندام سخت شده است بحق شیاطین من جمله فلان هر دیو پری و جن خبیث و کفتاران

و جرمان و عفریتی و هر دهر و سواس یادیگر سخت کرده است در دیگ حاضر آیید و بسوزید

تا فلان را شفا عاجل شود الهی بحرمت این نامها الوحا الوحا العجل العجل الساعت الساعت

الساعت الحق الحق این بنده بخشاینده تا فلان را صحت شود الهی بحرمت حروف تهجی از تا یا نویسید

فرعون عدد م لا ه ۲ را الی و بر سخت صحت عاجل شود بحق ۱۱۳ ۱۱۲ ۹۶ و یا بحق ۱۱ ۹۶ ۳۰ ۷

خداوندا ملکا بادشاها بحرمت خداوندی خودیی جلت و عظمت و قدرت آنچه در وجود فلان بن فلان سخت شده است بیرون آمدن ندهد	اللهم احرقنا من جمیع الجن والشیاطین الجن و پریان و دیوان بیرون آمدن ندهد	خداوندا ملکا بادشاها بحرمت خداوندی خودیی جلت و عظمت و قدرت آنچه در وجود فلان بن فلان سخت شده است بیرون آمدن ندهد
اللهم احرقنا من جمیع الجن والشیاطین الاناس بیرون آمدن ندهد		اللهم احرقنا من جمیع الجن والشیاطین بیرون آمدن ندهد

نوعدیگر این عزیمت برای سوختن دیوان و پریان از خزانه غوث الثقلین قطب ربانی محبوب سبحانی

شیخ السمواة والارض حضرت پیر دستگیر شاه نامان شاه محی الدین شیخ عبد القادر جیلانی قدس الله سره

العزیز اگر بزار و لکهنا شهد بابکه برکاغذ تیز پانزده بار این الفاظ بزرگ بخوانند و در زیانه چراغ بگذارند

کر سر باء ایلخان جد اکردیم حاجب الیسع خوام کفت چند صد و چند هزار را سر از تن جدا افتاده آذر بایجان

که در میانی یک قدح روغن تلخ انداخته و فتیله کلان کرده بسوزانند و الفاز بزرگ دار که برکارد بخوانند انیت

قوا قوس قتل کردم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله در وقت فتیله نوشتن بقدر شرینی بارواح حضرت

میران محی الدین قدس سره بطلبد و این فتیله بنویسد فتیله برکوار انیت ۱ ۳ ۵ ۲ ۹ ۶ ۴ ۷ ۶ فکبکبو

فیها هم والغاوون وجنود ابلیس اجمعون بحق سلیمان بن داود علیه السلام هر بلائی و هر

علتی و زحمتی را کسیکه در وجود فلان بن فلان سکونت کرفته است درین چراغ حاضر آیند و درین فتیله

بسوزند و خاکستر شوند سوختم دیوان و پریان و جنان و خبیثان و جوکیان و محبان و عفریتان و

مغیلان و متمران و بان و پره و سحر و وسواس و کره و تلپس و ارواح جنیت و جمیع شیاطین و انچه در وجود

فلان بن فلان مستولی شده باشد و مزاحمت میدهد درین چراغ حاضر آیند و بسوزند اسا اسا اسا عجت عجت عجت العجل العجل

العجل الوحا الوحا الوحا علیقا علیقا علیقا ملیقا ملیقا ملیقا طلیقا طلیقا انت تعلم مافی

قلوبهم

طلسم طلیقا انت تعلم طلیقا السبحت قدمت ملحفہ و نجری فقطع ملجت تجری فقطع
تجری فقطع سوختم تمام دیوان و پریان و تابع دیوان و متابع دیوان و پری و پریان و متابع
پریان و کفتار و کفتاران تابع کفتاران و متابع کفتاران و جن و جنان و تابع جنان
و متابع جنان و خبیث و خبیثان تابع خبیثان و متابع خبیثان سوختم ارواح خبیث و ارواح
خبیثان و تابع ارواح خبیثان و متابع ارواح خبیثان و غول و غولان تابع غولان و ام الصبیان
و تابع ام الصبیان و متابع ام الصبیان و پیر پیران تابع پیران و متابع پیران و جوکنی و جو
کنیان و تابع جوکنیان و متابع جوکنیان و جلهوت و جلهوتیان تابع جلهوتیان و متابع جلهو
تیان و جلجو کنی و جلجو کنیان تابع جلجو کنیان و متابع جلجو کنیان و چوریل و چوریلان
تابع چوریلان و متابع چوریلان و من شر جمیع الشیاطین و مخالف الجن و الانس انچہ
در وجود فلان بن فلان مفروض شدہ است و زحمت میدہد درین قبیلہ بند کردم و زبان روشنی چراغ
بحق ابن اسماء اعظم سوختم و دفع کردم بحرمت ہذا الاسماء و الاض بحق اعوذ بکلم و ایمان کم
و بحرمت الحریز قائیل و مخالف الجن صاحب التقادی و الحالی و لیسر و بسحر و القائی و اسماء
و القاہری و الطامی و الباغی و السحر و النوحی من اللولکم و اموالکم و الیکم بحق ہذا الاسماء

یا معشر الجن والانس والارواح تعال تعال بحرمت اواعیل واواعیل وبحرمت
زلزالی وخلخالی وبحرمت اقامی واوافیل لعالم یا معشر الجن والانس والارواح بحرمت
تمسوس کلوس علیقا ملیقا طلیقا انت تعلم مافی قلوبہم ملیقا علیقا طلیقا انت تعلم مافی
قلوبہم علیقا طلیقا العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل العجل احضروا احضروا احضروا
احضروا احضروا احضروا اسا اسا اسا اسا اسا اسا اسا اسا الوحا الوحا الوحا الوحا الوحا
الوحا العہد العہد العہد العہد العہد العہد العہد بحق اسماء القہاریہ واحرقوا بحق ابلیس وشداد
ونمرود وفرعون وہامان وقارون وجمشید وضحاک وجبرم وابراہیم وازنشت وبازنہ وفوزند
یالا آہنگ ومسلہ کذاب وابوجہل وابولہیس انہم یکیدون کیدا واکید کیدا فمہل الکافرین امہل
ہم رویدا استعرسا ملکیا بانق بالبقیہ یا علق بحق سلیمان بن داؤد علیہ السلام علیقا
طلیقا ملیقا انت تعلم مافی قلوبہم ملیقا [۱۱۱۵ اکرم خلیم / اکرم مکرم کلیم] لوعد بگر برای دفع
عدو ع ع ع ۱۹۱۲ ۱۹۱۹ ۱۹۱۹ ۱۹۱۹